

این کارها آدم را جهنمی می‌کند!



او اصرار داشت که به خدای بزرگ ایمان نیاورد (إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ) و نیز مردم را به اطعام مستمندان تشویق نمی‌کرد (وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ).

جزء بیستم و نهم قرآن کریم که از ابتدای سوره مبارکه ملک آغاز و به پایان سوره مبارکه مرسلات ختم می‌شود، در بردارنده آموزه‌ها و پیام‌های روح افزای الهی است که این نوشته تعدادی از آن‌ها را نقل می‌کند.

زینت آسمان، زینت زمین، زینت جان

در آیه ۵ سوره مُلک، سخن از زینت آسمان است؛ تزئینی که با چراغ‌هایی به نام ستارگان انجام می‌شود (وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ).

این معنا به شکلی روشن‌تر در آیه ۶/صافات آمده است که می‌فرماید: همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم (إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَكِبِ).

درباره زینت زمین هم در آیه ۷/کهف فرمود: ما آنچه را روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا).

بنابراین هر آنچه که در این کره خاکی به چشم می‌آید و زیباییش دل را می‌نوازد، زینتی است برای زیبا کردن زمین.

اما هیچ‌کدام از این‌ها زینت و زیبایی انسان نشد؛ یکی مایه زینت آسمان شد و دیگری برای زیبایی زمین.

پس زینت انسان و مایه زیبایی او کدام است؟

سوالی است که در آیه ۷/حجرات به آن پاسخ داده شده است: خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشید (وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ). و این یعنی آنچه مایه زینت و زیبایی جان بشر است ایمان به خدا و رسول او و قیامت است؛ نه پوشاک و آرایش ظاهر و مانند آن؛ زیرا بر اساس همین آیات آنچه بیرون جان را زیبایی بخشد، زینت انسان نیست بلکه زینت دنیاست.

یک اعتراف قابل توجه

آیات ۸ و ۹ سوره مُلک، گزارشی هستند از یک گفتگو در جهنم بین دوزخیان و مأمور آنجا (خَزَنَتُهَا).

مأمور جهنم از آنها می پرسد مگر برای شما هشدار دهنده ای نیامد [که شما را از این روز و این اوضاع با خبر کند تا رعایت کنید و گرفتار اینجا نشوید.] [الْمَّ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ؟]

پاسخ می دهند: چرا، بیم دهنده آمد؛ ولی او را انکار کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز نازل نکرده است؛ شما بیم دهندگان کاملاً در گمراهی بزرگی به سر می برید.

بعد از این پاسخ، اعترافی می کنند که بسیار قابل توجه است. آنها می گویند: اگر ما گوش شنوایی داشتیم و سخن آن منادیان حق را می شنیدیم و باور می کردیم و یا عقل خود را برای شناخت حق از باطل و پیروی از آن به کار می گرفتیم؛ هرگز از دوزخیان نبودیم (وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ).

یعنی اگر انسان، اهل گوش کردن به سخن حق و پذیرفتن آن باشد و یا عقلی رها از بند شهوت و غضب داشته باشد که او را به حق شناسی و پیروی از آن دعوت کند، گرفتار دوزخ و عذاب های دردآور آن نخواهد شد.

آنچه مایه زینت و زیبایی جان بشر است ایمان به خدا و رسول او و قیامت است؛ نه پوشاک و آرایش ظاهر و مانند آن؛ زیرا بر اساس همین آیات آنچه بیرون جان را زیبایی بخشد، زینت انسان نیست بلکه زینت دنیاست

کوتاه بیا تا کوتاه بیایم

آیه ۹ سوره قلم به تلاش و کوشش تکذیب گران دین برای به سازش کشاندن پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده می فرماید: این تکذیب گران دوست دارند تو با نزدیک شدن به دین آنان، به ایشان روی خوش نشان دهی؛ ایشان هم با نزدیک شدن به دین تو، به تو روی خوش نشان دهند.

خلاصه اینکه دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری؛ کمی هم آنان از دینشان و هر یک درباره دین دیگری مسامحه کند (وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ).

«یُدْهِنُونَ» از ریشه «دُهِن» به معنای روغن و اِدْهَان و مُدَاهِنَه به معنای روغن مالی و به اصطلاح فارسی، ماست مالی است که کنایه از نرمی و روی خوش نشان دادن است [۱].

از لحن آیات و از آنچه در تواریخ آمده است به خوبی استفاده می شود که وقتی مشرکان کوردل، سرعت پیشرفت اسلام را مشاهده کردند به فکر افتادند که از طریق دادن امتیازاتی به پیامبر صلی الله علیه و آله امتیازاتی از او بگیرند و به نوعی او را به سازش بکشاندند.

برای همین، گاه ثروت فراوان و گاه زنان زیبا و گاه پست و مقام برجسته به آن حضرت پیشنهاد می کردند [۲] تا به اصطلاح با داده امتیازاتی، حضرت را وادار به سازش همراه با دست کشیدن از برخی مواضع اصولی کنند.

ولی قرآن کریم، بارها به پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار داده که هرگز کمترین انعطافی در برابر این پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد و سرسوزنی از مواضع حق خود کوتاه نیاید [۳].



این چیزها آدم را جهنمی می کند

آیات ۳۰ تا ۳۲ سوره حاقه درباره چگونگی عذاب عده ای در قیامت است که به مأموران دوزخ امر می شود: او را بگیرید و در غل و زنجیرش کشید (خَذُّوهُ فَعْلُوهُ) آن گاه به دوزخش در اندازید (ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلَّوْهُ) سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد زرع است به بند کشید (ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوْهُ).

اما این به گیر و به بندها برای کیست و برای چیست؟

آیات بعد پاسخ به این سوالات است. می فرماید: زیرا او اصرار داشت که به خدای بزرگ ایمان نیاورد (إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ) و نیز مردم را به اطعام مستمندان تشویق نمی کرد (وَلَا يَحْضُنْ غُلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ).

از این تعبیر به خوبی استفاده می شود که **عمده اطلاعات و عبادات و دستورات شرع را می توان در «ارتباط با خالق» و «خدمت به خلق» خلاصه کرد.**

بعضی گفته اند: **بدترین عقائد «کفر» است و بدترین رذائل اخلاقی «بخل» [۴].**

آیات ۳۰ تا ۳۲ سوره حاقه درباره چگونگی عذاب عده ای در قیامت است که به مأموران دوزخ امر می شود: او را بگیرد و در غل و زنجیرش کشید (خُدُوهُ فَعَلُوهُ) آن گاه به دوزخش در اندازد (ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ) سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد زرع است به بند کشید (ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ)

فرستی که باید غنیمت شمرد

به تعبیر علامه طباطبایی (ره) آیه ۶ سوره مزمل برای بیان چرایی اختصاص شب برای عبادت (نماز و مناجات های شبانه) است و آیه ۷ برای بیان چرایی اختصاص نیافتن روز به آن کار هاست. [۵]

در آیه ۶ می فرماید: این دستور عبادت و تلاوت شبانه (آیات ۲ تا ۴) برای آن است که برنامه (عبادت و تعلیم) شب پابرجاتر و با استقامت تر است (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيْلًا).

این آیه از آباتی است که با تعبیرات پرمحتوایش، رساترین سخن را درباره عبادت شبانه و نیایش سحرگهان و راز و نیاز با محبوب، در ساعاتی که اسباب فراغت خاطر از هر زمان فراهم تر است و همچنین تأثیر آن در تهذیب نفس و پرورش روح و جان انسانی، بیان کرده است و نشان می دهد که روح آدمی در آن ساعات آمادگی خاصی برای نیایش و مناجات و ذکر و فکر دارد.

در آیه ۷، می فرماید: این برای آن است که در روز تلاش و کوشش مستمر و فراوانی خواهی داشت (إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا)؛ دائماً مشغول هدایت خلق و ابلاغ رسالت پروردگار و حل مشکلات زندگی جمعی و فردی هستی و مجال کافی برای عبادت و نیایش حاصل نمی شود؛ بنابراین عبادت شبانه را جانشین آن کن.

احتمال دیگری که در تفسیر آیه وجود دارد و از جهاتی جالبتر و با آیات قبل و بعد هماهنگ تر است این است که می فرماید: **چون در طول روز وظائف سنگین و تلاش و کوشش فراوان بر دوش داری، باید با عبادت شبانه، خود را تقویت کنی و آمادگی لازم برای این فعالیت های بزرگ و گسترده را از آن قیام شب به دست آوری [۶].**

یکی از ویژگی های ابرار، خداترسی آنان است که این خدا ترسی به صورت ترس آن ها از روزی که خشم خداوند بر بدن آشکار شده و عملی می گردد (یعنی قیامت) بیان شده است

نتیجه خداترسی در قیامت

در آیه ۱۰ سوره انسان یکی از اوصاف مهم ابرار بیان شده است که به زبان حال یا زبان قال می گویند: ما از پروردگامان ترسانیم از آن روز که عبوس و شدید است (إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا).

منظور از عبوس بودن قیامت، نهایت شدت آن برای مجرمین است و واژه «قمطیر» به معنای دشوار و سخت است [۷]. بنابراین یکی از ویژگی های ابرار، خداترسی آنان است که این خدا ترسی به صورت ترس آن‌ها از روزی که خشم خداوند بر بدان آشکار شده و عملی می‌گردد (یعنی قیامت) بیان شده است.

آیه بعد نتیجه این خدا ترسی یا ترس از قیامتی که غضب الهی در آن ظاهر می‌شود را بیان می‌کند: خداوند متعال ایشان را از شر آن روز حفظ (فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ) و با بهجت و سرور با ایشان برخورد خواهد کرد (وَلَقَاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا)؛ برای همین است که ایشان در آن روز خوشحال و مسرور خواهند بود (وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ) [۸] و یا اینکه تنها آن‌ها هستند که از وحشت آن روز در امان خواهند بود (وَهُمْ مِّنْ فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ) [۹].

پی نوشت ها:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن ۳۷۱/۱۹.

۲. تفسیر نمونه ۳۸۴/۲۴.

۳. ۴۹/ مائده

۴. به نقل از تفسیر نمونه ۴۷۱/۲۴.

۵. المیزان فی تفسیر القرآن ۶۳/۲۰.

۶. برگرفته از تفسیر نمونه ۱۷۷-۱۷۵/۲۵.

۷. المیزان فی تفسیر القرآن ۱۲۸/۲۰.

۸. ۲۲/ قیامت

۹. ۸۹/ نمل